



Geo-Economic Explanation of Iran's Relations with Kazakhstan

ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Rabiee H.* PhD,

Abbasi Pour Nezam Abad R.¹ MA,

Amir Ahmadian B.² PhD,

Abdi A.³ PhD

How to cite this article

Rabiee H, Abbasi Pour Nezam Abad R, Amir Ahmadian B, Abdi A. Geo-Economic Explanation of Iran's Relations with Kazakhstan. Geographical Researches Quarterly Journal. 2018;33(2):22-39.

*Department of Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

¹Department of Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

²Department of Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Tehran University, Tehran, Iran

³Department of Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Department of Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

Phone: -

Fax: -

hosseinrabiei@hotmail.com

Article History

Received: May 25, 2018

Accepted: August 28, 2018

ePublished: September 17, 2018

ABSTRACT

Introduction & Background The collapse of the Soviet Union and the formation of new republics have further enhanced the geo-economic position of Iran in the region and the world. The Republic of Kazakhstan is enclosed in the land, and it needs short and reliable communication routes to open water for supplying diverse demands and supplying its oil and gas to world markets. The geostrategic position of Iran in the heart of the Middle East region is a valuable but potential reality that can create diverse geopolitical and geopolitical capacities and, as a result, increase national income, development and even security for the country. But the causes and factors such as the vacuum of power resulting from the collapse of the Soviet Union, regional geopolitical rivalry, the important position of Iran near the intersection of Asia and Europe, the existence of large reserves of energy in the region and the desire of Central Asian countries to the presence of foreign powers, The presence of major powers in Central Asia has created serious barriers to Iran's more effective presence in the region. Aims: This article seeks to answer the question of what role Kazakhstan can play in the presence of Iran in Central Asia.

Methodology This applied research has been done by descriptive-analytical method and its data have been compiled by library method. By providing other statistics and other documents, Kazakhstan's geo-Kazakhstani weight in Central Asia and the role that can be played in facilitating penetration and presence Iran has estimated in the region.

Conclusion The result of the research shows that Kazakhstan plays a key role in geo-economic relations. Islamic Republic of Iran has Central Asia and can create the potential and potential for Iran to enter Central Asia.

Keywords Geopolitics; Geo-economics; Central Asia; Iran and Kazakhstan

CITATION LINKS

[Ahmadi Lafouraki & Mirrazavi; 2004] Directory of Caspian ...; [Akbarian; 2003] Investigating Iran's ...; [Amirahmadian; 2018] The Initiative of one ...; [Amirahmadian; 2018] The Challenges of Iran Presence ...; [Baru; 2012] Geo-economics and ...; [Blackwill & Harris; 2016] War by other ...; [Caucasus Studies Institute; 2011] Central Asia and the Caucasus ...; [Dadandish; 2007] Geopolitical discourse in ...; [Economic Site of the Ministry of Foreign Affairs; 2018] Public information of ...; [Efegil & Stone; 2001] Iran's interests in ...; [EIA; 2016] Iran energy data ...; [EIA; 2017] Kazakhstan energy ...; [Etaat & Nosrati; 2009] Iran and energy ...; [Ezzati; 2001] Geopolitics in the ...; [Ezzati; 2008] The geo-economy of ...; [Fao; 2015] Country indicators ...; [Fars News Agency; 2011] Larijani meeting with ...; [Valigholizadeh; 2015] Spatial-geo-economic ...; [Golshani & Sohrabi; 2012] The role of Iran's geopolitics ...; [Hafez Nia; 2006] Geopolitical principles ...; [Hashemi; 2004] Political history ...; [Johnston, Teilor & Wats; 2004] Global geography ...; [Kaiser & Pulsipher; 2007] A review of the oil and ...; [Kamp & Harcavi; 2007] Strategic geography ...; [Karami & Azizi; 2013] China's security relations with ...; [Kasenov & Sanjabi; 1996] Kazakhstan's foreign ...; [Kennedy; 1989] The rise and fall of the ...; [Koolae; 1997] Politics and government ...; [Koolae; 2009] Explanation of the Islamic ...; [Koolae & Ebrahimi; 2012] Explanation of the Islamic ...; [Koolae & Moaddab; 2009] Iran's role and importance ...; [Koushki & Hosseini; 2017] Prospect of Islamic Republic ...; [Lotfian; 2011] Kazakhstan: Political ...; [Luttwak; 1990] From geopolitics ...; [Marat; 2008] The republic of Kazakhstan ...; [Martin & Miguel; 2010] Geo-economics in Central ...; [Ministry of Foreign Affairs; 2008] Kazakhstan ...; [Mirhosseini; 2010] Introduction to ...; [Mohammadi & Motaghi; 2006] Doctrine on constructive ...; [Mottaghi & Hemmatkhab; 2008] The position of Iran in ...; [Nasiri; 2008] Global-regional ...; [Oliker; 2007] Kazakhstan's security ...; [Paramonov & Stokov; 2007] Structural interdependence ...; [Peachey; 2011] Petroleum investment ...; [Pishgahi Fard & Joneidi; 2010] The nature of Russia's ...; [Ramazani; 2009] Understanding Iran's ...; [Rasa News Agency; 2014] Retrieved from ...; [Sarie'olghalam; 2017] International system ...; [Shahbi & Sheikhholeslami; 2011] Echo and Development ...; [Shouri; 2016] Promoting Iran-Russia ...; [Solberg Sjoilen; 2012] Geoeconomics ...; [Tehran Chamber of Commerce Industries Minies and Agriculture; 2015] Basic information ...; [The World Factbook; 2016] Retrieved from ...; [Trade Promotion Organization of Iran; 2015] Report on trade between ...; [Yuldasheva; 2008] Geopolitics of Central ...; [Zabortsevas; 2010] Kazakhstan's bilateral ...; [Zardykhan; 2002] Kazakhstan and Central ...

تبیین ژئواکونومیک مناسبات ایران با قزاقستان

دریافت مقاله: ۹۷/۳/۴

پذیرش نهایی: ۹۷/۶/۶

DOI: 10.29252/geores.33.2.22

چکیده

مقدمه: فروپاشی شوروی و شکل‌گیری جمهوری‌های جدید، موقعیت ژئواکونومیک ایران را در منطقه جهان، بیش‌ازپیش ارتقاء بخشیده است. جمهوری قزاقستان محصور در خشکی است و برای تأمین تقاضاهای متنوع و نیز عرضه نفت و گاز خود به بازارهای جهانی، به مسیرهای ارتباطی کوتاه و مطمئن به آب‌های آزاد نیازمند است. موقعیت ژئواستراتژیک ایران در قلب منطقه خاورمیانه، واقعیت ارزشمند اما بالقوه‌ای است که می‌تواند ظرفیت‌های متنوع و گسترده ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک و در نتیجه افزایش درآمد ملی، توسعه و حتی امنیت برای کشور ایجاد کند. اما زمینه‌ها و عواملی چون خلأ قدرت ناشی از فروپاشی شوروی، رقابت‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای، جایگاه مهم ایران در نزدیکی تقاطع آسیا و اروپا، وجود ذخایر بزرگ انرژی دنیا در منطقه و تمایل کشورهای آسیای مرکزی به حضور قدرت‌های خارجی، باعث حضور قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی شده و موانع جدی برای حضور مؤثرتر ایران در این منطقه به وجود آورده است.

اهداف: هدف مقاله پاسخ به این سؤال است که قزاقستان چه نقشی می‌تواند در حضور هر چه بیشتر ایران در آسیای مرکزی داشته باشد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. مقاله با ارائه آمار و ارقام و مستندات دیگر، وزن ژئواکونومیک قزاقستان در آسیای مرکزی و نقشی که می‌تواند در زمینه تسهیل نفوذ و حضور ایران در منطقه داشته باشد را برآورد کرده است.

نتیجه‌گیری: قزاقستان نقش کلیدی در مناسبات ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران با آسیای مرکزی دارد و می‌تواند ظرفیت و پتانسیل ورود ایران به کشورهای آسیای مرکزی را ایجاد کند.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، آسیای مرکزی، ایران و قزاقستان

مقدمه

رقابت و کنش کشورها و گروه‌ها بر سر منابع کمیاب یا نایاب زمین از زمان پیدایش نخستین اجتماعات بشری در جریان بوده است و هر دوره‌ای شکل و ویژگی خاصی داشته است. در یک طیف متنوع از کنش‌های همکاری‌جویانه تا تلاش‌های خصومت‌آمیز و خشن، در دوره‌های مختلف تاریخی مشاهده شده است که خشن‌ترین و بزرگ‌ترین آن جنگ جهانی دوم است.

ادعا می‌شود که در دهه‌های اخیر تلاش‌های خشونت‌آمیز جای خود را به رقابت‌های سیاسی و دیپلماتیک داده است و در زمان ما قدرت‌های کوچک و بزرگ تلاش می‌کنند منافع خود را از راه‌های مسالمت‌آمیزی به دست آورند و البته موضوع رقابت‌ها هم دیگر نه تصرف سرزمین که به دست آوردن منافع اقتصادی و کنترل بازارهای مالی و تجاری دنیاست. پس از تحولات آغازین قرن بیست و یکم، در استراتژی ملی دولت‌ها اقتصاد در رتبه نخست قرار گرفته است که بیانگر تأثیرپذیری منافع ملی از منافع اقتصادی است و روابط سیاسی و استراتژی ملی کشورها، سمت‌وسوی اقتصادی دارد (Amirahmadian, a2018). خلأ قدرت به وجود آمده در آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد شوروی موجب ورود سایر قدرت‌ها و در نتیجه شکل‌گیری یک گفتمان ژئوپلیتیک در منطقه شده است. این گفتمان مبتنی بر رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به منظور کسب برتری‌های ژئوپلیتیک، شکل‌دهی به ساختارهای امنیتی، تسلط بر منابع انرژی و توسعه حوزه نفوذ است (Dadandish, 2007). بر این پایه، سراسر سال‌های پس از فروپاشی شوروی، آسیای مرکزی بستر رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای حضور و نفوذ در عرصه سیاسی و اقتصادی این جمهوری‌ها بوده است (Koolae & Ebrahimi, 2012). حال با توجه به قابلیت جمهوری اسلامی ایران در فراهم آوردن راه‌های انتقال انرژی به بازارهای مصرف و دسترسی نداشتن قزاقستان به آب‌های آزاد، فرصت جدیدی برای ایران ایجاد شده است. وجود برخی مشکلات و موانع داخلی در کشورهای تازه استقلال‌یافته و همچنین در ایران بین وضعیت مطلوب و وضع موجود فاصله بزرگی ایجاد شده است. مشارکت جمهوری اسلامی ایران در الگوهای در حال تکوین همکاری‌های منطقه آسیای مرکزی به وسیله عوامل مختلفی شکل می‌گیرد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها رابطه ایران با کشورهای بزرگ این منطقه از جمله قزاقستان است. عوامل استراتژیک مناسبات آینده جمهوری اسلامی ایران با منطقه به رابطه قزاقستان، روسیه و برخی دیگر از قدرت‌های خارجی حاضر در معادلات سیاسی این کشور مانند آمریکا، چین و ترکیه گره خورده است. چراکه نتایج حاصل از روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و قزاقستان می‌تواند بر محیط سیاسی و اقتصادی سایر کشورهای آسیای مرکزی نیز تأثیرگذار باشد (Mohammadi & Motaghi, 2006). در این مقاله نقش جایگاه ژئواکونومیک قزاقستان در مناسبات با ایران جهت تسهیل نفوذ در منطقه آسیای مرکزی مورد بررسی قرار گرفته است.

روش پژوهش

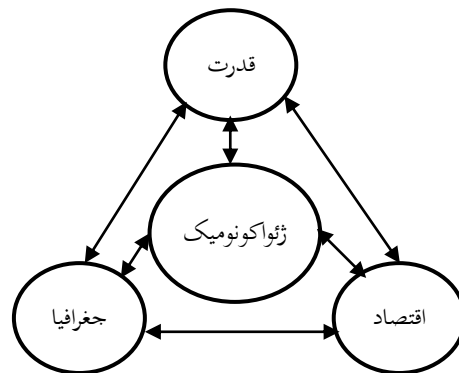
پژوهش حاضر از نظر ماهیت، کاربردی و ازلحاظ روش، توصیفی - تحلیلی است. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز نیز به روش کتابخانه‌ای فراهم و گردآوری شده است. در این راستا، نخست با استفاده از منابع کتابخانه‌ای (مدارک و اسناد مکتوب مانند کتب داخلی و خارجی، مجلات تخصصی و مقالات) و نیز از اطلاعات شبکه جهانی (اینترنت) اطلاعات لازم گردآوری شده، سپس با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، اقدام به تحلیل و بررسی داده‌ها شده است.

چارچوب نظری

اصطلاح ژئواکونومیک امروزه بسیار استفاده می‌شود، اما به گفته لوتواک، ژئواکونومیک با هر تعریف و برداشتی، همواره بخشی از زندگی بین‌المللی بوده است (Luttwak, 1990). برای برخی این مسئله موضوعی تجربی و ساده به نظر می‌رسد که بعد ژئوپلیتیک مشخصی برای آن وجود ندارد و آن را تجارت گسترش‌یافته‌ای می‌دانند که ریشه در لیبرالیسم اقتصادی قرن بیستم دارد، و در واقع آن را یک نوع تجارت تعبیر می‌کنند. کندی ادعا کرده است که نخستین بار اصطلاح ژئواکونومیک جدید در کتاب پل کندی با عنوان "ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ" که در سال ۱۹۸۷ منتشر شد، طرح شد. وی می‌نویسد: تمام تغییرات عمده در معادلات قدرت نظامی جهان، از تغییر در توازن تولید ناشی شده است و پیدایش و فروپاشی امپراتوری‌های مختلف و کشورها در سیستم بین‌المللی از نتایج جنگ‌های عمده قدرت‌های بزرگ تثبیت شده است، که در آن پیروزی همیشه با

بزرگ‌ترین منابع مادی رفته است (Kennedy, 1989). سانجایا می‌نویسد: ژئواکونومیک ممکن است به دو روش متفاوت تعریف شود: به‌عنوان رابطه بین سیاست اقتصادی و تغییرات در قدرت ملی و ژئوپلیتیک (به‌عبارت‌دیگر پیامدهای ژئوپلیتیک پدیده‌های اقتصادی)؛ یا به‌عنوان پیامدهای اقتصادی روندهای ژئوپلیتیک و قدرت ملی (Baru, 2012). سولبرگ می‌نویسد: ژئواکونومیک مطالعه جنبه‌های فضایی، فرهنگی و استراتژیک منابع باهدف دستیابی به یک مزیت رقابتی پایدار است. این مبحث در زمینه نهادهای استراتژیک بزرگ، مانند کشورها و شرکت‌های چندملیتی، که به‌طور مداوم با مسائل رقابتی جهانی درگیرند، مرتبط است. ژئواکونومیک از دو بعد اساسی با ژئوپلیتیک متفاوت است. نخست این که ژئواکونومیک عمدتاً مربوط به فعالیت‌های سیاسی و نظامی نیست، بلکه مربوط به فعالیت‌های اقتصادی است. دوم از نظر بازیگران، فعالیت‌ها عمدتاً توسط بازیگرانی انجام می‌شود که لزوماً کشور نیستند، بلکه بخش خصوصی و شرکت‌ها هم آن را انجام می‌دهند؛ در نتیجه ژئواکونومیک پیچیده‌تر از ژئوپلیتیک است که در آن دولت بازیگر اصلی است (Solberg Søylen, 2012). بلکویل و هریس می‌نویسند: بدون تعریف کاربردی خاص از ژئواکونومیک، بعضی از نویسندگان تمایل دارند تا روی قدرت ژئوپلیتیک یا نظامی برای اهداف اقتصادی متمرکز شوند. برخی دیگر تمایل دارند تا تعریف کلی‌تری از ژئواکونومیک ارائه دهند و آن را «ادغام اقتصاد بین‌المللی، ژئوپلیتیک و استراتژی»، تعریف کنند؛ این تعریف بیشتر از آن که روشن باشد، مبهم است. با این حال، برخی دیگر در تعریف ژئواکونومیک در درجه اول بر تجارت و حفاظت از صنایع تأکید دارند. این دو پس از بحث و بررسی تعاریف و برداشت‌ها از ژئواکونومیک، این اصطلاح را چنین تعریف کرده‌اند: ژئواکونومیک استفاده از ابزارهای اقتصادی برای پیشبرد و دفاع از منافع ملی و به دست آوردن منافع ژئوپلیتیکی سودمند و تأثیر کنش‌های اقتصادی دیگر ملت‌ها بر اهداف ژئوپلیتیک یک کشور است. این تعریف را با پنج نکته توضیحی همراه کرده‌اند: ۱- ژئواکونومیک با ژئوپلیتیک متفاوت است؛ ۲- تمرکز کاربرد ابزارهای اقتصادی برای پیشبرد ژئوپلیتیک به معنای سخن نگفتن درباره ماهیت خود اهداف است؛ ۳- تلاش‌های ژئواکونومیک در قدرت‌نمایی می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد و درست مثل اینکه همه کشورها در ظرفیت خود برای طرح‌ریزی قدرت باهم برابر نیستند. مشخصه‌های ساختاری «یا استعدادهای ژئواکونومیک» وجود دارد که تعیین می‌کند که یک کشور در استفاده از ابزارهای ژئوپلیتیک تا چه اندازه کارآمد است؛ ۴- در ژئواکونومیک مواردی وجود دارد که مرزهای مشخصی ندارد. فارغ از این که پارامترهای مختلف را تا چه اندازه به‌دقت تعریف کرده باشیم، مواردی هستند که ناگزیر بر روی مرز هستند و مبهم هستند؛ ۵- ژئواکونومیک از سیاست اقتصادی خارجی یا مرکانتلیسم و تفکر اقتصادی لیبرال متفاوت است (Blackwill & Harris, 2016). بعضی تأثیر فضا بر جریان کالاها و تولیدات و نیز توانایی فضایی که در فرآیند توسعه فعالیت‌های اقتصادی به‌کاربرده می‌شود را در راستای ژئواکونومی می‌شمارند. عناصر فضایی شامل موقعیت جغرافیایی، توزیع منابع طبیعی و انسانی، موقعیت گذرگاه‌ها و قطب‌بندی تولیدی، ساختار ویژگی شبکه راه‌های ریلی و ارتباطی و سرمایه‌گذاری‌های لازم برای استخراج و انتقال منابع و غیره می‌باشد (Valigholizadeh, 2015). با یک نگرش کلی می‌توان گفت که ژئواکونومی ترکیبی از اقتصاد، تاریخ و سیاست است و یک علم کاربردی برای ارزیابی و محاسبه عوامل و عناصر فضایی تاریخی - فرهنگی و روان‌سنجی قومی و غیره است و درنهایت می‌توان گفت که ژئواکونومی تکنولوژی ماهرانه‌ای است برای پیش‌برد منافع اقتصاد ملی در عرصه خارجی و اقدامات استراتژیکی در فضای ژئواکونومیکی باهدف کلی شناسایی و به‌کارگیری پررمزیت‌ترین الگوها و موقعیت‌هایی که سهم و مشارکت اقتصاد ملی را در عرصه تولیدات جهانی و توزیع درآمد جهانی بیمه می‌کند (Hafez Nia, 2006). ادوارد لوتواک^۱ در سال ۱۹۹۰ پارادایم ژئواکونومی را با مفهوم گسترده وارد علوم جغرافیایی و سیاسی کرد (Luttwak, 1990). درواقع ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است و به نظر می‌رسد سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است (شکل ۱).

1 Edward N. Luttwak



شکل ۱- مدل مفهومی ژئواکونومی

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و اعلام استقلال ۱۵ جمهوری آن با مطرح شدن استراتژی جدید ژئواکونومیک^۱ که در مقابل استراتژی نظامی بود، همراه گردید (Akbarian, 2003). با مطرح شدن این مفهوم در ژئوپلیتیک مناطق جغرافیایی برخلاف دوران جنگ سرد، از بعد دیگری، یعنی توزیع منابع مولد انرژی با محوریت نفت و گاز مطرح گردیدند. به عبارت دیگر در قرن بیست و یکم مناطقی که دارای انرژی یا محل عبور آن هستند مورد توجه قرار می گیرند. در حال حاضر، انرژی متغیری تأثیرگذار در تدوین استراتژیها به حساب می آید (Ezzati, 2001). در تعیین مناطق ژئواکونومی که انطباق کاملی هم با قلمروهای ژئواکونومیک قرن بیست و یکم دارد، باز خاورمیانه گسترده همان نقش منطقه ژئواکونومیک حساس جهان را به خود اختصاص داده و ایران نیز در مرکز آن منطقه واقع است (Ezzati, 2008). در واقع می توان گفت که نظام جهانی در تجربه ای جدید به دوران جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد یا اقتصادی شدن نظام جهانی وارد شده است که در این میان سوخت های فسیلی به ویژه نفت و گاز دارای اهمیت بسزایی هستند. آنچه مهم می باشد آن است که جریان سرمایه و تأثیرات آن در میان متغیرهای گسترده تجدید ساختار ژئواکونومیکی بسیار ناموزون است که با پایان جنگ سرد جای خود را به اشکال جدیدی از وابستگی شمال - جنوب داده است (Johnston, Teilor, & Wats, 2004). ژئواکونومی به اثرگذارترین عوامل یا زیربنای سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی در محیط کشوری، منطقه ای و جهانی برای مطالعه و بررسی تصمیم گیری های سیاسی و رقابت قدرت ها و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل دهنده به ژئوپلیتیک نوین منطقه ای و جهانی تبدیل شده است. یکی از مهم ترین ویژگی های عصر ژئواکونومی، اهمیت یافتن اقتصاد در عرصه تعاملات بین المللی است. برخلاف دوران جنگ سرد که در آن تقسیم ژئوپلیتیکی جهان عمدتاً جنبه ایدئولوژیک داشت، در کنش های ژئوپلیتیکی جهان پس از جنگ سرد، شاخص های اقتصادی مبنای بسیاری از تحولات و صف بندی های جدید در عرصه های تعاملات جهانی گردیده است.

نظریه بیضی استراتژیک انرژی^۲ جفری کمپ^۳

دیدگاه بیضی استراتژیک انرژی جفری کمپ در ادبیات جغرافیای سیاسی، جایگاه ویژه ای دارد و به دلیل اهمیت یافتن مسائل ژئواکونومیک (نفت و گاز) مطرح شده است. به اعتقاد جفری کمپ حدود ۷۰ درصد ذخایر ثابت شده جهانی نفت و بیش از ۴۰ درصد از منابع گاز طبیعی آن در داخل منطقه ای تخم مرغ شکل از جنوب روسیه و قزاقستان تا عربستان سعودی و امارات متحده عربی محصور شده است. آن چه ارتباط خاصی با این مسئله دارد، نیازمندی های انرژی رو به رشد آسیا از جمله کشورهای

1 Geo-economic
2 Strategic Ellipse of Energy
3 Jeffrey Kamp

چین، هند و جنوب شرقی آسیا است (Kamp & Harcavi, 2007). بر اساس نظریه بیضی استراتژیک انرژی، منابع عظیم نفت و گاز در خلیج فارس از جمله بزرگ‌ترین حوزه مستقل گازی جهان (پارس جنوبی و گنبد شمالی^۱) به شمار می‌رود، که بر اساس آمار سال ۲۰۱۶ به‌تنهایی بیش از ۱۵ درصد ذخایر اثبات‌شده گاز جهان را در اختیار دارند. از حیث منابع نفتی، خلیج فارس با داشتن حدود ۷۵۰ میلیارد بشکه ذخیره نفت، که تقریباً ۶۰ درصد از ذخایر شناخته‌شده را تشکیل می‌دهد، بزرگ‌ترین مخزن نفتی جهان است؛ به‌گونه‌ای که با تولید روزانه ۱۸/۲ میلیون بشکه نفت، جمعاً ۲۹ درصد از نفت جهان را تولید می‌کند (EIA, 2016). بدین ترتیب، دریای خزر پس از خلیج فارس و سیبری، یکی از مهم‌ترین منابع انرژی جهان را شامل می‌شود (Golshani & Sohrabi, 2012). این بیضی قسمت‌های غربی منطقه آسیای مرکزی و سه کشور ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان را نیز در برمی‌گیرد. بنابراین در نظریه بیضی استراتژیک انرژی، کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه کشور قزاقستان به دلیل موقعیت جغرافیایی و قرارگیری در محور دریای خزر و همچنین دارا بودن منابع قابل‌توجه نفت و گاز اهمیت بالایی داشته و جایگاه این کشور در این منطقه در بیضی استراتژیک انرژی، ناشی از اهمیت آن در ژئوپلیتیک انرژی است.

محیط‌شناسی

جمهوری اسلامی ایران

ایران به لحاظ استراتژیکی مهم‌ترین کشور حوزه خلیج فارس است. ایران بر تنگه هرمز، گلوگاه نفت جهان تسلط دارد و خاورمیانه را به آسیای مرکزی و جنوبی پیوند می‌دهد. همچنین از منابع غنی نفت و گاز طبیعی برخوردار است و نیز پرجمعیت‌ترین کشور منطقه و دارای زیربنای صنعتی مناسب به شمار می‌رود (Ramazani, 2009). در کل منطقه "شمال آفریقا و خاورمیانه" از مراکش تا پاکستان، ایران تنها کشوری است که در سطح داخلی خود تمامی بنیان‌های انسانی، محیطی، سرزمین، جغرافیا و منابع طبیعی را برای قدرتمند شدن و تولید دارد (Sarief'olghalam, 2017). ایران تنها کشوری است که امکانات ویژه‌ای برای انتقال انرژی از آسیای مرکزی به دریای عمان و خلیج فارس دارد. ایران با داشتن ۱۶۰ میلیارد بشکه ذخایر نفتی معادل ۱۰ درصد کل منابع نفتی جهان در شمار چهار کشور اول است و با ۳۳/۵ تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز طبیعی بعد از روسیه، مقام دوم را در اختیار دارد (EIA, 2017).

جدول ۱- میزان تولید، صادرات و واردات نفت ایران (بر حسب میلیون بشکه در روز)

سال	واردات	صادرات	مصرف	تولید
۲۰۱۶	۳۳/۷۱۰	۱/۳۴۲ میلیون	۱/۹۲۲	۴/۰۶۸

منبع: (The World Fact book, 2016)

جدول ۲- میزان تولید، صادرات و واردات گاز ایران (بر حسب بیلیون فوت مکعب)

تولید	مصرف	صادرات	واردات	سال
۱۸۴/۸	۱۴۰	۸/۳۸	۹/۵۵	۲۰۱۶

منبع: (The World Fact book, 2016)

جمهوری قزاقستان

جمهوری قزاقستان به دلیل واقع‌شدن در بخش میانی "اوراسیا" و شمال آسیای مرکزی از موقعیتی ژئواستراتژیک برخوردار است. قزاقستان با روسیه و چین مرزهای مشترک و طولانی داشته و از سمت غرب با دریای خزر هم‌مرز است. لذا به‌نوعی

همسایه دریایی جمهوری اسلامی ایران نیز محسوب می‌شود. قزاقستان کشوری عموماً هموار است که بخش غربی و مرکزی آن را مناطق پست و بیابانی تشکیل داده و کوهستان‌های آن در مناطق شرقی و جنوب شرقی واقع شده است (Mirhosseini, 2010). قزاقستان که به‌طور رسمی در سال ۱۹۳۶ به‌عنوان یک جمهوری سوسیالیست شوروی به‌طور کامل شناخته شد، یکی از مهم‌ترین و درعین‌حال فرو گذاشته شده ترین مکان‌ها در زمان شوروی محسوب می‌شد (Hashemi, 2004). قزاقستان که به دلیل وجود گروه‌های تندرو در منطقه‌ای سرشار از چالش و تنش واقع شده است، با ویژگی‌های مهمی مانند سازگاری و هماهنگی قومی و نژادی و برخورداری از منابع طبیعی ارزشمند و ثبات سیاسی، نقش اساسی را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا می‌کند. این کشور همچنین به‌عنوان چهارمین سازنده و تولیدکننده تسلیحات و تجهیزات هسته‌ای اتحاد شوروی و داشتن حدود ۱۰۰ گروه قومی و نژادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. البته لازم به یادآوری است که قزاقستان با بستن سایت آزمایش‌های هسته‌ای خود در سال ۱۹۹۱، انتقال همه کلاهک‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۶ و نابودی کارخانه‌های سازنده تسلیحات اتمی، نخستین کشوری است که داوطلبانه به‌سوی خلع سلاح هسته‌ای گام برداشته و قوانین مربوط به نظارت بر صادرات سلاح‌های هسته‌ای را تصویب کرده است (Ahmadi Lafouraki & Mirrazavi, 2004). قزاقستان از نظر معادن و منابع طبیعی بین کشورهای مستقل هم‌سود^۱ (غیر از روسیه) مقام اول را دارد. این کشور از نظر منابع زغال‌سنگ، نفت و گاز بسیار غنی به شمار می‌آید. آمار سال ۱۹۹۰ حاکی است که این کشور ۹۰ درصد کروم، ۵۰ درصد زغال‌سنگ و ۷ درصد نفت اتحاد شوروی را تأمین کرده است. از دیگر منابع معدنی مهم قزاقستان می‌توان به مس، روی، نقره، طلا، منگنز، سرب، نیکل، فسفات و اورانیوم اشاره کرد.



شکل ۱- نقشه موقعیت قزاقستان در آسیای مرکزی

(Caucasus Studies Institute, 2011)

در سال ۲۰۱۶ با صادرات بیش از ۵۷۵/۲۴ هزار تن اورانیوم، جایگاه اول دنیا در این زمینه را به دست آورد. از نظر ذخایر طلا نیز در سال ۲۰۱۶ مقام چهاردهم را در جهان دارد. این کشور تولیدکننده و صادرکننده فرآورده‌های کشاورزی محسوب می‌شود. تولید غلات برای اقتصاد قزاقستان چه در گذشته و چه در حال حاضر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. در حدود نیمی از زمین‌های کشاورزی به کشت گندم اختصاص دارد. قزاقستان که بالاترین ذخایر کشف‌شده نفت خزر را در اختیار دارد، از حدود ۱۶۰ مخزن قابل‌استفاده خود تنها از ۶۰ مخزن بهره‌برداری می‌کند. قزاقستان با تولید روزانه یک میلیون و ۸۸۰ هزار بشکه نفت در روز مقام اول را در میان دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی دارد. از این میزان ۲۰۰ هزار بشکه در روز در

داخل کشور مصرف شده و بقیه صادر می‌شود. قزاقستان با داشتن ذخایر احتمالی ۸۵ تریلیون فوت مکعب گاز از ۳۸۷ میلیارد فوت مکعب در سال ۲۰۱۰ به ۲۱/۳۸ میلیارد فوت مکعب در سال ۲۰۱۷ رسیده است. به گونه‌ای که اولین کشور منطقه آسیای مرکزی از نظر ذخایر گازی است. حوزه نفتی کاشاقان^۱ در قزاقستان یکی از حوزه‌های نفتی شناخته شده خارج از خاورمیانه و پنجمین بشکه نفت جهان به شمار می‌رود. به گونه‌ای که از این حوزه نفتی ۲۵ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی تا سال ۲۰۱۳ برآورد شده است. حوزه کاشاقان قرار بود در سال ۲۰۱۳ به بهره‌برداری برسد که با مشکل ناشی در خط لوله انتقال روبه‌رو شد و از اواخر اکتبر ۲۰۱۶ تولید مجدد آن آغاز شده است (EIA, 2017). مسیر قزاقستان یکی از گزینه‌های صادرات گاز از هر دو کشور ترکمنستان و ازبکستان است (Paramonov & Strokov, 2007). پیش‌بینی شده است تولید نفت قزاقستان تا سال ۲۰۱۸ به ۱۸۰ میلیون تن برسد (Zabortsevas, 2010).

جدول ۳- میزان تولید، صادرات و واردات نفت قزاقستان (برحسب میلیون بشکه در روز)

سال	واردات	صادرات	مصرف	تولید
۲۰۱۷	۱۴۵/۸۰۰	۱/۲۹۲	۲۰۰ هزار	۱/۸۸۰

منبع: (The World Fact book, 2016)

جدول ۴- میزان تولید، صادرات و واردات گاز قزاقستان (برحسب بیلیون فوت مکعب)

سال	واردات	صادرات	مصرف	تولید
۲۰۱۷	۴/۷	۱۳/۷	۱۳/۱	۲۱/۳۸

منبع: (TheWorld Fact book, 2016)

یافته‌های تحقیق

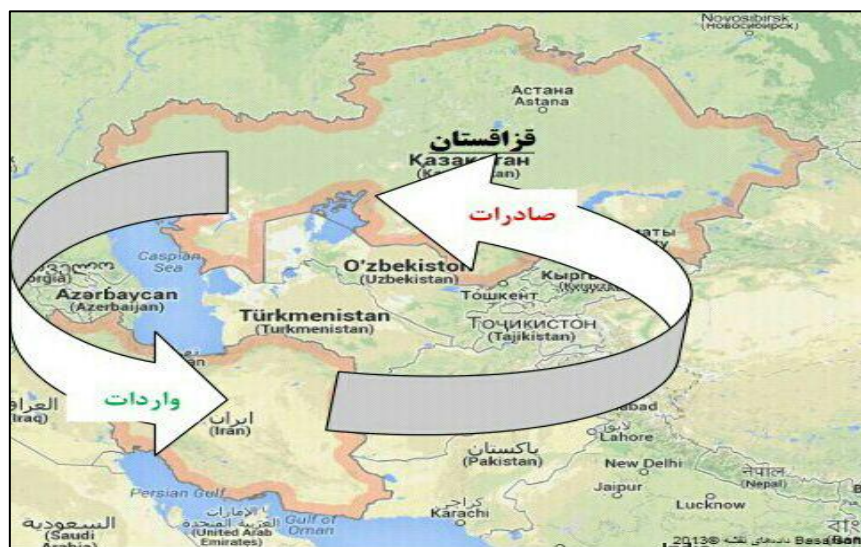
مناسبات ژئواکونومیکی ایران و قزاقستان

قزاقستان از جمله کشورهای در حال توسعه منطقه است که به دلیل برخورداری از درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت، آهن‌آلات، محصولات کشاورزی و منابع معدنی و همچنین دریافت وام و اعتبار از سوی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری بین‌المللی و در راستای تحقق برنامه توسعه کشور تحت عنوان "قزاقستان ۲۰۳۰" و "راهبرد کلان ۲۰۵۰"، پروژه‌های فراوانی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، زیربنایی، عمرانی، ساختمان‌سازی و نفت و گاز را در دست اجرا دارد. از این منظر می‌تواند بازار مستعدی برای کالاها و خدمات فنی و مهندسی ایران باشد. شرکت‌های ایرانی تاکنون قریب به دو میلیارد دلار در قزاقستان در زمینه‌های مختلف به قزاقستان خدمات فنی و مهندسی صادر کرده‌اند، از جمله شرکت دنا ره‌ساز تاکنون نزدیک به ۸۰۰ میلیون دلار کار راه‌سازی انجام داده و در حال حاضر، دو پروژه به ارزش ۱۱۰ میلیون دلار و ۱۴۰ میلیون دلار نیز در دست اجرا دارد (Economic Site of the Ministry of Foreign Affairs, 2018).

حمل و نقل و ترانزیت

حمل و نقل از جمله مهم‌ترین وابستگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران و قزاقستان، مزیت‌های موقعیت ژئوپلیتیکی-ژئواکونومیکی ایران برای دسترسی و ارتباط این کشور به آب‌های آزاد و برعکس موقعیت قزاقستان برای ارتباط ایران با دیگر کشورهای منطقه و نیز اروپاست. پیوستن جمهوری قزاقستان به سازمان اگو گسترده‌ترین همکاری اقتصادی این کشور با ایران به حساب می‌آید. مهم‌ترین مزیت عضویت قزاقستان در اگو این است که این سازمان امکان واقعی دسترسی به مسیرهای دریایی

را در دریای مدیترانه و خلیج فارس و دریای عمان برای این کشور فراهم می‌سازد (Marat, 2008). سازمان همکاری اقتصادی در قزاقستان نه تنها به‌عنوان یک بدیل، بلکه به‌عنوان یک مکمل برای جامعه کشورهای هم‌سود دیده می‌شود (Kasenov & Sanjabi, 1996). یکی از اسناد مهمی که در سال ۱۹۹۸ در آلماتی قزاقستان به امضای کشورهای عضو آکو رسید و با تصویب آن توسط اعضاء همواره به‌عنوان سند ارزشمندی در زمینه همکاری‌های حمل‌ونقلی مورد تأکید سازمان بوده، موافقت‌نامه چارچوب حمل‌ونقل است که اهمیت حرکت آسان‌تر و سریع‌تر کالا و مسافر در منطقه، در آن مورد توجه قرار گرفته است (Shahbi & Sheikholeslami, 2011). قزاق‌ها توجه ویژه‌ای به موضوع حمل‌ونقل بین ایران و قزاقستان نشان می‌دهند. کازیکخانف وزیر خارجه قزاقستان با اشاره به برداشت ۲۵ میلیون تن گندم^۱ در جمهوری قزاقستان گفت: "ایران بازار خوبی برای گندم قزاقستان محسوب می‌شود و می‌توان با حمل‌ونقل ایران، گندم قزاقستان را به کشورهای دیگر رساند" (EKoolae & Ebrahimi, 2012). در دیدار امری اف سفیر قزاقستان در ایران با لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران نیز بر اهمیت موقعیت و جایگاه ایران در تسهیل ارتباطات و حمل‌ونقل میان شرق آسیا و اروپا تأکید شد (Fars News Agency, 2011). اما در یک ارزیابی کلی، وجود روابط سیاسی خوب و متعادل، انعقاد موافقتنامه‌های پایه‌ای و مبانی حقوقی فراهم‌شده برای توسعه روابط اقتصادی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل مناسب و نیاز قزاقستان به مسیر ترانزیتی کشورمان و متقابلاً امکان دسترسی به روسیه و چین با استفاده از ظرفیت‌های ترانزیتی قزاقستان، زمینه مناسبی برای توسعه مناسبات اقتصادی و بازرگانی بین دو کشور فراهم کرده است (Economic Site of the Ministry of Foreign Affairs, 2018).



شکل ۲- نقشه مسیر ترانزیت مبادلات کالا بین ایران و قزاقستان

(<http://import-export.ir/14/Kazakhstan.html>)

تجارت و مبادله کالا

میزان صادرات قزاقستان در سال ۲۰۱۶ بالغ بر ۳۶۷۷۵ میلیون دلار و واردات این کشور نیز در حدود ۲۵۱۷۴ میلیون دلار و حجم مبادلات تجاری قزاقستان بالغ بر ۴/۱۱۹ میلیارد دلار و تراز تجاری این کشور ۳۷ میلیارد دلار بوده است. حجم مبادلات ایران و قزاقستان در سال ۲۰۱۶ بر اساس آمار منتشره از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران حدود ۳۸۵ میلیون دلار بوده که از میان سهم صادرات قزاقستان ۱۹۹ میلیون دلار و صادرات ایران ۱۸۶ میلیون دلار بوده که همین مبادلات در ۵ ماهه نخست

^۱ جمهوری قزاقستان و ایران هردو با تولید گندم به میزان ۱۴ میلیون تن در سال ۲۰۱۵ یازدهمین کشور تولیدکننده گندم در جهان بودند (Fao, ۲۰۱۵).

سال ۲۰۱۷ حدود ۸۲/۴ میلیون دلار بوده که از این میان سهم صادرات قزاقستان ۳۰/۷ میلیون دلار و سهم صادرات ایران ۵۱/۷ میلیون دلار بوده است (Economic Site of the Ministry of Foreign Affairs, 2018). عمده‌ترین محصولات صادراتی ایران شامل انواع خشکبار، پسته، خرما، سیمان، محصولات پتروشیمی، انواع مصالح ساختمانی، مواد غذایی، میوه و صیفی‌جات، مواد شوینده، انواع رنگ‌ها و محصولات لاستیکی و پلاستیکی هستند. عمده‌ترین اقلام وارداتی ایران نیز گندم، جو، آهن‌آلات و فولاد، دانه‌های روغنی مانند آفتابگردان و کلزا و قراضه باتری و سایر محصولات غیر فولادی است (Trade Promotion Organization of Iran, 2015). ارتباطات تجاری ایران قزاقستان در طی دو دهه گذشته دارای فراز و نشیب‌های زیادی بوده است. این روند تا سال ۲۰۰۷ افزایشی بوده و بعد از آن تا سال قبل رو به کاهش نهاده است. تاکنون تعداد ۱۴ اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی در دو کشور برگزار گردیده است که چهاردهمین اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی در تاریخ ۲۱-۲۲ مهرماه ۱۳۹۴ در آستانه برگزار گردید. پانزدهمین اجلاس کمیسیون مشترک در بازه زمانی ۲۵ آذرماه لغایت ۳۰ بهمن ۱۳۹۵ در تهران برگزار گردید و آخرین آن‌ها که شانزدهمین کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور بود همان‌طور که در بخش قبلی اشاره شد در ۲۵ اسفندماه سال ۱۳۹۶ در قزاقستان برگزار گردیده است.

جدول ۵- مبادلات کالا بین ایران و قزاقستان (ارزش: میلیون دلار)

سال	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶
صادرات	۱۳۵	۲۱۰	۲۱۰	۱۳۶	۱۸۵	۶۰/۴
واردات	۱۸۶	۸۴	۱۷۹	۷۸	۱۹۹	۱۰۵/۵
تراز تجاری	-۵۱	۱۲۶	۳۱	۴۹	۱۵/۳۹	۱۱/۳۶
تجارت خارجی	۳۲۱	۲۹۴	۳۸۹	۲۲۳	۳۸۴	۲۳۴

منبع: (Tehran Chamber of Commerce Industries Mines and Agriculture, 2015)

انرژی و خطوط انتقال انرژی

در نخستین ماه‌های پس از فروپاشی شوروی، ساختن لوله‌های انتقال نفت و گاز حوزه خزر مسیر منطقی اقتصادی خود یعنی ارزان‌ترین و سریع‌ترین مسیر را جستجو می‌کرد و حتی کشورهای حوزه خزر به توافقی برای همکاری نیز دست یافتند. مسیر ایران کوتاه‌ترین، ارزان‌ترین و سریع‌ترین مسیر انتقال نفت و گاز دریای خزر به بازارهای مصرف است، فشار آمریکا بر کشورهای منطقه، برخلاف منطق اقتصادی و همواره در جهت آن بوده که هیچ لوله نفتی یا مسیر ترانزیتی از ایران عبور نکند. ایران یکی از غنی‌ترین کشورهای تولیدکننده نفت و گاز در منطقه خاورمیانه است. از سوی دیگر، زیرساخت‌ها، پالایشگاه‌ها و خطوط انتقال انرژی امتیاز مناسبی جهت ارائه یک نقش فعال برای ایران در منطقه ایجاد کرده است. وجود خطوط لوله شمال به جنوب و هم‌جواری ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی، فرصت خوبی برای ایران در معامله خرید و فروش با این جمهوری‌ها فراهم آورده، موقعیتی که می‌توان از آن در تعمیق پیوندهای سیاسی و اقتصادی و ارائه یک بازی فعال استفاده کرد، که بی‌تردید دارای ابعاد امنیتی غیرقابل‌انکار است (Mottaghi & Hemmatkhan, 2008). اما رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای پیشنهاد مسیرهای غیرمنطقی انتقال انرژی برای کسب نفوذ سیاسی و حفظ برتری خود بر منطقه همچنان ادامه دارد. از یک سو روسیه با منحصر کردن تمام مسیرهای صادرات از سرزمین خود، می‌خواهد نفوذ و کنترل سنتی خود را بر کشورهای تازه استقلال‌یافته حفظ کند، از سوی دیگر آمریکا که به‌عنوان رقیب جدی در منطقه، طرفدار مسیرهایی است که در راستای اهداف درازمدت و علائق ژئوپلیتیک خود، به محدود کردن نقش واقعی و اصولی ایران در منطقه منجر شود (Etaat & Nosrati, 2009). در شرایط کنونی بزرگ‌ترین مسئله برای فعالیت‌های اکتشافی و استخراجی نفت قزاقستان چگونگی انتقال آن

به بازارهای جهانی است. انتقال نفت از مسیر روسیه، پیوندهای پیشین و وابستگی این کشور به روسیه را تداوم می‌بخشد. پس از انعقاد قرارداد ۲۰ میلیاردی دولت قزاقستان با شرکت آمریکایی شورون^۱ دشواری‌های انتقال نفت از مسیر روسیه آشکارتر شد؛ توسعه همکاری با ایران می‌تواند منافع این کشور را تأمین کند (Koolae & Ebrahimi, 2012). سیاست نفتی قزاقستان نشان می‌دهد این کشور جویای روابط نزدیک با روسیه است و از خطوط نفتی این کشور جهت صدور نفت خود بهره می‌برد. علاوه بر این قزاقستان همکاری شرکت‌های نفتی غربی را جهت ارائه نفت خود به دنیا تشویق می‌کند. همچنین امکان همکاری با کشورهای منطقه مانند ترکیه، ایران و چین هم وجود دارد. در رابطه با گسترش همکاری‌ها رئیس‌جمهور قزاقستان چنین اشاره می‌کند: "ما هم‌اکنون علاقه‌مند به جنبه عملی این موضوع می‌باشیم و نه جنبه سیاسی آن، قزاقستان باید صادرات نفت خود را به بازارهای جهانی با سرعت هرچه بیشتر و با سود هرچه تمام‌تر آغاز کند" (Zardykhan, 2002). بعد از حمله‌های تروریستی ۱۱ سپتامبر نیز که محیطی مساعد برای عادی‌سازی روابط بین آمریکا و ایران به وجود آمد، دولت قزاقستان در اواخر سال ۲۰۰۱ سعی کرد آمریکا را پیرامون مصلحت طرح‌های خطوط نفتی در قلمرو ایران متقاعد سازد. از دیدگاه آنان خطوط ترانزیتی ایران یک خروجی مستقیم به سوی دریاهاى آزاد است که نه تنها یکی از خروجی‌های پرمفعت قزاقستان به سوی خلیج فارس، بلکه یک مسیر جهت تأمین مواد خام بازارهای جنوب شرق آسیا و کشورهای آسیا- پاسیفیک^۲ است. گرچه فرآیند گفت‌وگو و بررسی توافق قزاقستان و ایران پیچیده است که دلیل اصلی آن نقش منفی آمریکا است (Yuldasheva, 2008). در ژوئن ۲۰۰۴ نظریات گفته بود، که خط لوله انتقال نفت از مسیر ایران به خلیج فارس را به خط لوله‌ای که از مسیر چین یا روسیه عبور کند، یا به خط لوله باکو-تفلیس-جیحان، ترجیح می‌دهد (Lotfian, 2011). توافق ایران و قزاقستان پیرامون تبادل نفت، آشکارا سبب ایجاد زمینه گسترش روابط بین دو کشور می‌شود. واقعیت این است که بخش اصلی این منابع اینک از راه بندر نوروسیسک^۳ روسیه صادر می‌شود. علاوه بر این و از نگاه نیروهای نظامی قدرت‌های جهانی در خلیج فارس، بنادر ایرانی در معرض خطر محاصره هستند. البته روشن است که این مسئله تصمیم‌گیری کشورهای آسیای مرکزی در رابطه با استفاده از این بنادر را به‌عنوان راه‌های صادرات انرژی تحت تأثیر قرار می‌دهد (Efegil & Stone, 2001). در سال ۱۹۹۹، قرارداد ساخت یک خط لوله نفتی ۴۰۰ کیلومتری از نکا به تهران، به کنسرسیومی چینی- ایرانی واگذار شد؛ این خط لوله سبب افزایش ظرفیت معاوضه نفت^۴ قزاقستان شد (Nasiri, 2008). موضوعی که از سال ۱۹۹۶ به‌صورت متناوب و در سطح محدودی جریان داشته است و در حال حاضر این جریان قطع شده است. معاوضه نفت تولیدی قزاقستان که از سال ۲۰۰۲ از پایانه نفتی نکا شروع شد، در ابتدا تنها ۱۶۰۰ بشکه در روز بود، اما به تدریج با بالا رفتن توانایی‌های فنی و همچنین افزایش ظرفیت نفت‌کش‌های فعال در خزر در سال ۲۰۰۵ به ۴/۱ میلیون تن و در سال ۲۰۰۶ به ۴/۲ میلیون تن رسید (Ministry of Foreign Affairs, 2008) (Ministry of Foreign affairs kazakhstan, 2010: 120).

1 Chevron

2 Asia- Pacific

3 Novorossiysk

4 Swap



شکل ۳- نقشه خط لوله باکو- تفلیس- جیحان

(Kaiser & Pulsipher, 2007)

منوچهر متکی وزیر خارجه وقت ایران در نشست خبری مشترک با وزیر حمل و نقل و ارتباطات قزاقستان گفت: "ایران توانسته ظرفیت انتقال نفت از این راه (معاوضه نفت) را تا ۵۰۰ هزار بشکه در روز افزایش دهد"، اما قزاقستان از همه ظرفیت‌های ایران در این زمینه استفاده نکرده است. بخش اندکی از نفت قزاقستان به کمک کشتی‌ها از راه دریای خزر روانه بندر نکا در ایران شده است و به خطوط توزیع نفت در شمال ایران تزریق می‌شود. مقدار معادل از همان نفت گرفته شده به صورت متقابل از پایانه‌های نفتی ایران در جزیره خارک (خلیج فارس) برای کشور قزاقستان صادر می‌شود (Efegil & Stone, 2001). ۷۶/۵ درصد نفت قزاقستان از خط لوله‌های روسیه به خارج صادر می‌شود. ۲۳/۵ درصد باقیمانده به مبادله ایران- قزاقستان (۱۶۰۰۰۰ بشکه در روز) و خط لوله قزاقستان - چین (۲۰۰۰۰۰ بشکه در روز) باینکه مسیر ایران ارزان‌ترین و امن‌ترین راه برای صادرات نفت خام قزاقستان است، اما این مسیر به دلیل تحریم‌های آمریکا مسدود و سوپ نفت کشورهای حاشیه خزر از دوره احمدی نژاد متوقف شده است (Martin & Miguel, 2010).

محدودیت‌های حضور جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

فروپاشی شوروی از یک سو فرصت‌هایی فراوان در ابعاد امنیتی، اقتصادی و فرهنگی برای ایران ایجاد کرد و از سوی دیگر، تهران را با چالش‌های عمده‌ای روبه‌رو ساخت. تلاش گسترده کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ به منظور نفوذ در آسیای مرکزی یکی از پیامدهای منفی فروپاشی شوروی برای ایران بود. ایران پس از فروپاشی شوروی کوشید تا از رهگذر ارتباط و تماس مستقیم با کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز وارد این منطقه شود و حضور مستمری بیابد. با این حال، روابط احتیاط‌آمیز ایران با کشورهای منطقه صرفاً از آسیب رساندن به روابط موجود جلوگیری کرده یا در مواردی چون ازبکستان، روابط نامناسب را بهبود بخشیده است. به نظر می‌رسد به جز پیوستن کشورهای منطقه به سازمان ااکو و عضویت ناظر ایران در سازمان شانگهای، عملاً ایران هیچ فعالیت جمعی مؤثری در این منطقه نداشته و از تمامی دست‌بندی‌های امنیتی منطقه‌ای به دورمانده است به‌رغم آن که در سال‌های گذشته ایران سعی کرده روابط مناسبی را با کشورهای آسیای مرکزی برقرار سازد، اما با این حال، تاکنون در زمینه‌های اقتصادی به موفقیت چندانی دست نیافته است. البته این امر را باید در محدودیت‌ها و محظورات اقتصادی ایران جست‌وجو کرد (Amirahmadian, 2018). سهم ایران در اقتصاد جهانی در حدود ۳۴ دهم درصد برآورد می‌شود که تقریباً بیش از ۸۵ درصد آن مربوط به نفت است، بنابراین، می‌توان سهم ایران در صادرات جهانی را در سطح بسیار پایین

ارزیابی کرد. منطقه قفقاز و آسیای مرکزی به لحاظ موقعیت سیاسی و ظرفیت‌های بالقوه انرژی، از گذشته‌های دور مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بوده است که می‌توانند چالش‌های زیادی را در دست یافتن ایران به اهداف ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی به وجود بیاورند که در ادامه به مواردی اشاره خواهد شد.

مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در آسیای مرکزی

روسیه

سیاست روسیه در آسیای مرکزی، دارای ماهیت دوگانه‌ای است. از یک سو مسکو به دنبال حضور قوی‌تری در منطقه به‌وسیله کشورهای طرفدار روسیه است که در آن چین و ایران، دو مخالف قوی آتلانتیک‌گرایی^۱ مشارکت داشته باشند. از سوی دیگر، این کشور آشکارا با جهان آتلانتیکی ائتلاف کرده و مایل است همراه با آن عمل کند. ریشه این دوگانگی در عمل‌گرایی نوظهور روسیه نهفته است (Sharapova, 2003: 210). هرچند ایران و روسیه در آسیای مرکزی از عرصه‌های گوناگون برای همکاری برخوردارند، ولی نقش سنتی روسیه در زمینه تأمین انرژی این جمهوری‌ها، و انتقال منابع انرژی منطقه از قلمرو خود و کنترل آن به دلیل مزیت انحصاری هم‌جواری جغرافیایی، زمینه‌ساز ایجاد رقابت جدی میان دو کشور شده است (Koolae, 1997). علاوه بر این، روسیه با بستن قرارداد تقسیم دریا با کشورهای ساحلی خزر، ایران را در یک وضعیت مبهم و دشوار قرارداد است. در حقیقت روسیه چندان مایل به شکل‌گیری سازمان‌های منطقه‌ای با حضور سایر قدرت‌های منطقه نیست و از شکل‌گیری چنین نهادهایی جلوگیری می‌کند. مسکو با طرح موضوع دریای خزر در نشستی جداگانه با کشورهای ساحلی غیر از ایران، موجب نگرانی آن شده است. در مورد عضویت رسمی ایران در سازمان همکاری شانگهای نیز روس‌ها مانع اصلی هستند (کرمی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). علایق ژئوپلیتیکی ایران و روسیه در این منطقه در بسیاری از زمینه‌ها از جمله رژیم حقوقی دریای خزر، انتقال انرژی و رقابت‌های اقتصادی به‌طور طبیعی در تعارض با یکدیگر قرار دارد؛ چراکه در اساس هراندازه نفوذ سیاسی-اقتصادی و فرهنگی ایران در این منطقه افزایش یابد، به‌طور طبیعی از دامنه فرصت‌های روسیه برای بهره‌برداری از موقعیت جغرافیایی‌اش کاسته خواهد شد (Pishgahi Fard & Joneidi, 2010). اما در دولت یازدهم روابط ایران و روسیه از "همکاری ناشی از اضطرار" به "همکاری مبتنی بر انتخاب" ارتقا پیدا کرد؛ در ابتدا شاید تصور بر این بود که با تمرکز دولت یازدهم بر حل و فصل مسئله هسته‌ای و بازسازی روابط با غرب، روابط ایران و روسیه در این دوره به موضوع حاشیه‌ای در سیاست خارجی ایران تبدیل شود، اما حجم تعاملات سیاسی و اقتصادی میان دو کشور در سه سال گذشته نه تنها این گمانه‌زنی‌ها را تأیید نمی‌کند، بلکه حکایت از اراده سیاسی رهبران ایران برای حفظ و ارتقای روابط با همسایه قدرتمند شمالی یعنی روسیه دارد، باوجود مسائل و موانع بسیار، روابط ایران و روسیه حتی بیش از حد انتظار گسترش یافته است. با این حال، رابطه ایران و روسیه نیازمند صبر است. زیرا با زیرساخت‌هایی که در سه سال اخیر در روابط ایران و روسیه ایجاد شده، اگر برخی ظرفیت‌سازی‌ها در داخل ایجاد شود در آینده می‌توان شاهد رابطه باثبات و جدی‌تر بین دو کشور بود (Shouri, 2016).

ایالات متحده آمریکا

قزاقستان از زمان استقلال آن روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی محکمی را با مجموعه وسیعی از کشورها دنبال می‌کند. بر این اساس و همچنین منافع مادی شرکت‌های انرژی غربی در نفت و گاز قزاقستان، روابط قزاقستان و آمریکا از روزهای نخست استقلال قزاقستان تا به امروز رشد داشته است (Oliker, 2007). از دیدگاه آمریکا قزاقستان به دلیل اهمیت ژئواستراتژیک، وسعت و منابع انرژی شریک بین‌المللی باارزشی است. البته علاقه آمریکا و سایر کشورهای غربی به گسترش

نفوذشان در قزاقستان بیشتر به این دلیل است که این کشور توانایی استراتژیک و نظامی زیادی دارد. قزاقستان فراتر از ۱۰۰ کارخانه متعلق به مجتمع‌های نظامی- صنعتی اتحاد شوروی و مقر آزمایش‌های تسلیحات هسته‌ای در رسمی پالاتینسک^۱ و مرکز فضایی بایکونور^۲ را در اختیار دارد. کمک‌های اقتصادی آمریکا به قزاقستان مشروط به پذیرش قرارداد منع گسترش تسلیحات اتمی بود. در دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۱ سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها در قزاقستان به ۱۵ میلیارد دلار رسید (Lotfian, 2011). ورود و نفوذ ایالات متحده در منطقه پیامدهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی برای ایران دارد. آمریکا همواره مجدانه درصدد محروم کردن ایران از مزایای دسترسی به بازار انرژی منطقه بوده و همواره متنوع کردن مسیرهای انتقال انرژی را به کشورهای آسیای مرکزی پیشنهاد داده است (Mottaghi & Hemmatkhan, 2008). این سیاست برای کشورهای منطقه زیان‌های بسیار به همراه داشته است. این موضوع به‌نوبه خود بر بحث‌های رژیم حقوقی دریای خزر نیز تأثیر جدی داشته است (Koolae, 2009). در صورت عبور خط لوله نفت منطقه خزر از ایران، ایران به ابزار مهمی برای پیشبرد اراده سیاسی خود در این منطقه دست می‌یافت، بر قدرت منطقه‌ای آن افزوده می‌شد و از نظر اقتصادی ثبات بیشتر و درآمد بیشتری کسب می‌کرد. علاوه بر این، با توجه به اینکه حدود ۶۰ درصد از انرژی جهان از تنگه هرمز می‌گذرد، چنانچه نفت منطقه خزر نیز از این تنگه عبور کند، باسیاست تنوع‌بخشی به منابع و مسیرهای انتقال انرژی مورد نظر آمریکا در تضاد خواهد بود (Koolae & Moaddab, 2009). استراتژی آمریکا در مورد انتقال انرژی منطقه آسیای مرکزی دربرگیرنده سه هدف عمده است: ۱- متنوع کردن منابع نفت و گاز طبیعی برای ایالات متحده و جهان؛ ۲- صدور انرژی خزر به بازارهای غرب بدون دخالت روسیه و ایران و از راه کاهش نفوذ آنها بر کشورهای منطقه؛ ۳- تقویت نیروهای امنیتی کشورهای منطقه برای تشویق سرمایه‌گذاری. ایالات متحده برای توسعه مسیرهای جایگزین با رقابت سختی از جانب روسیه و ایران روبه‌رو است. آمریکا خواسته با استفاده از ترکیه کشورهای حوزه خزر را به بازارهای غرب جلب کند تا از نفوذ روسیه بر تصمیم‌های اقتصادی و استراتژیک آنها جلوگیری کند. در دو دهه گذشته دیپلماسی خط لوله ایالات متحده جدا کردن روسیه و تحریک ایران هراسی برای حضور بلندمدت در منطقه بوده است (Peachey, 2011). از نظر آمریکا ظرفیت‌های بالقوه جغرافیایی ایران که امکان به دست آوردن نقش مهمی در ژئوپلیتیک جهانی قرن بیست و یکم را در اختیار ایران می‌گذارد، باید خنثی شود تا امنیت منطقه‌ای و جهانی مورد نظر ایالات متحده حفظ شود. برای نمونه، آمریکا فعالیت‌های هسته‌ای ایران را که منجر به قدرتمند شدن بیشتر این کشور در منطقه می‌شود به نفع خود نمی‌داند، بنابراین آمریکا سعی در امنیتی و محدود کردن این فعالیت‌ها به منظور اعمال فشار بر ایران و متوقف کردن فعالیت‌های هسته‌ای این کشور دارد؛ اگرچه ایران همواره بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای اش تأکید داشته و بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این امر را تأیید کرده‌اند اما همان‌طور که گفته شد آمریکا و اسرائیل این مسئله را همراه با تردید نگریستند و با تبلیغات سوء، برنامه هسته‌ای ایران را زمینه‌ای برای دستیابی به تسلیحات اتمی جلوه دادند. در حقیقت، این چالش ریشه در عدم اعتماد متقابل و افزایش مواجهه ایران و آمریکا دارد (Koushki & Hosseini, 2017).

چین؛ برهم زننده معادلات استراتژیکی و ژئواکونومیکی در آسیای مرکزی

سیاست چین در منطقه آسیای مرکزی را نمی‌توان خارج از پیشینه تاریخی آن بررسی کرد. چین در سال‌های ۹۰ به منطقه به‌عنوان منبع نیروی معنوی انسانی نگاه می‌کرد، به همین دلیل موضوع قراردادهای آن دوره، عمدتاً همکاری‌های علمی- فنی بود. در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ علاقه‌مندی چین نسبت به منطقه کم شده است و پس از سال ۲۰۰۰ در راستای توسعه منطقه خودمختار سین کیانگ، جهت‌گیری سیاست خارجی خود را تغییر داد و روابط خود را با کشورهای آسیای مرکزی از سر

1 Semipalatinsk

2 Baikonur

گرفت. چین از سال ۲۰۰۵ سرمایه‌گذاری‌های خود را در منطقه آغاز کرد و در حال حاضر، یکی از بازیگران مهم ژئوپلیتیک در منطقه آسیای مرکزی می‌باشد. اقدامات چینی‌ها همیشه در راستای منافع ملی‌شان است. اهداف استراتژیک چین در منطقه، حل و فصل مشکلات مرزی، تأمین امنیت در مناطق مرز نشین و حفظ تعادل ژئوپلیتیکی در منطقه می‌باشد. چین در حال حاضر، تلاش می‌کند تا از نفوذ ابرقدرت‌ها در منطقه جلوگیری کند و از "توهم روسیه" به‌عنوان بازیگر اول منطقه حمایت می‌کند، از طرفی دیگر، پکن مستقیماً با ایالات متحده وارد درگیری نمی‌شود، اما تمام تلاش خود را می‌کند تا از نفوذ آن در منطقه جلوگیری کند. روابط چین و آمریکا بر اساس رقابت استراتژیک استوار است، بنابراین دو طرف به دلیل وابستگی متقابل وارد جنگ رودرو نمی‌شوند. علاوه بر این، روسیه همیشه برای چین در اولویت است. کاملاً واضح است که چین با طرح کمربند اقتصادی راه ابریشم، درصدد است حضور خود را در منطقه آسیای مرکزی، روسیه و اروپا گسترش دهد، اما این ابتکار چینی، در حقیقت به‌منظور دسترسی چین به هیدروکربن دریای خزر و منابع انرژی آبی و همچنین کنترل زیرساخت‌های ترانزیتی منطقه طرح‌ریزی شده است و هدف اصلی آن، تبدیل شدن به یک ابرقدرت تجاری است و برای تحقق این امر، نیازمند به پتانسیل لجستیک حمل‌ونقل می‌باشد که آسیای مرکزی از چنین پتانسیلی برخوردار است (Karami & Azizi, 2013). در این راستا، چین فعالانه در تلاش است تا نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد. میزان مبادلات تجاری کشورهای آسیای مرکزی با چین طی ده سال اخیر به ۵۰ برابر افزایش پیدا کرده است، به طوری که مبادلات تجاری تنها یک استان چین "سین کیانگ" ۷۰ درصد از کل گردش مالی این کشورها را تشکیل می‌دهد. هدف پکن از این اقدام، تبدیل سین کیانگ به منطقه اقتصادی است. این بدین معنی است که کشورهای آسیای مرکزی به زائده مواد خام اقتصاد چین تبدیل شدند و به دلیل این که اتحادیه گمرکی و اتحادیه اقتصادی اوراسیا انتظارات لازم را برآورده نکردند، این وضعیت همچنان در آسیای مرکزی پابرجاست و حجم گردش کالای چینی نیز در منطقه بیشتر و بیشتر می‌شود. علاوه بر این، چین در قالب سازمان همکاری شانگهای، درصدد ایجاد ساختار جدید تأمین امنیت در منطقه می‌باشد. از این رو، این چین است که نقش اول را در منطقه بازی می‌کند، نه روسیه. پکن روزبه‌روز حضور خود را در آسیای مرکزی پررنگ‌تر می‌کند و انگیزه آن از این اقدام، متوقف کردن همگرایی اوراسیا می‌باشد (Rasa News Agency, 2014). اما یکی از مهم‌ترین تحولات ژئواکونومیک در جهان که در چارچوب این پژوهش قرار می‌گیرد و در قلمرو سرزمینی ایران جای می‌گیرد، بحث احیای جاده ابریشم جدید است که توسط چین به‌عنوان قدرت برتر ژئواکونومیک تحت عنوان "یک جاده، یک کمربند" است (Amirahmadian, 2018). به گونه‌ای که جاده ابریشم جدید می‌تواند در توانمندسازی مناسبات ایران با آسیای مرکزی مورداستفاده قرار گیرد و ایران می‌تواند با استفاده از پتانسیل‌های مهم اقتصادی این ناحیه با مدیریت صحیح و به‌دوراز ایدئولوژی ضمن بهره‌مندی بیشتر از این توان‌ها از قدرت‌های مهم و تأثیرگذار این منطقه باشد. همچنین ایران می‌تواند از لحاظ کریدورهای هوایی شرق - غرب به لحاظ ترانزیت هوایی درآمدهای زیادی را نصیب کشور کند زیرا هم به لحاظ امنیت و هم به جهت کم شدن هزینه‌های حمل‌ونقل هوایی، یکی از پتانسیل‌های ژئواکونومیک را دارا می‌باشد. آسیای مرکزی به دلیل داشتن ذخائر غنی انرژی که در واقع چرخه اصلی اقتصاد جهانی است به‌ویژه نفت و گاز که شاهرگ این چرخه هست و از اهمیت ژئواکونومیک زیاد در طرح‌های استراتژیک و ژئواستراتژیک برخوردار است (Ezzati, 2008).

نتیجه‌گیری

تحولات دهه‌های اخیر در گفتمان ژئواستراتژی و گرایش‌های جهانی به سمت گفتمان ژئواکونومی، عملاً منجر به ایفای نقش برتر مولفه‌های اقتصادی در عرصه مناسبات بین‌المللی و تولد تفکر ژئواکونومی گردید. در قرن بیست و یکم با توجه به

رشد جمعیت و نیازهای گسترده جهان بشری و نیز علی‌رغم تلاش‌های ویژه‌ای که واحدهای سیاسی بر تأمین امنیت غذایی شهروندان دارند، باعث تغییر در نگرش‌ها و در تعاملات جهانی شده و رویکرد ژئواکونومی و میزان تسلط بر گلوگاه‌های اقتصادی و بازارهای عرضه و تأمین نیازهای عمومی در تعیین حوزه‌های نفوذ بین‌المللی بسیار مؤثر است. این شرایط بیانگر رابطه‌ای پویا، تنگاتنگ و دوسویه میان سیاست و فضاست، به گونه‌ای که پیگیری هر سیاستی تظاهرات فضایی خاص خود را داشته و هر فضایی نیز سیاست‌های خاص خود را طلب می‌کند. در چنین شرایطی، قزاقستان از جمله کشورهای در حال توسعه است که به دلیل برخورداری از درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و دیگر مواد خام و محصولات کشاورزی و نیز با دریافت وام و اعتبار از بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری بین‌المللی و در راستای تحقق برنامه توسعه کشور از جمله راهبرد کلان "قزاقستان ۲۰۵۰" و برنامه "نورلی ژول"، پروژه‌های متعددی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، زیربنایی، عمرانی و نفت و گاز را در دست اجرا دارد. شرکت‌های ایرانی تاکنون قریب به دو میلیارد دلار در حوزه‌های مختلف خدمات فنی و مهندسی، صنعتی، معدنی، کشاورزی و دامپروری سرمایه‌گذاری نموده و خدمات ارائه کرده‌اند. از جمله پروژه مخابراتی دیداس به ارزش ۶۰۰ میلیون یورو و طرح‌های راه‌سازی توسط شرکت "دنا ره‌ساز" که تاکنون نزدیک به ۸۰۰ میلیون دلار بوده و دو پروژه به ارزش ۱۱۰ و ۱۴۰ میلیون دلار را از سال ۲۰۱۴ تاکنون در دست اجرا دارد. از سوی دیگر، کشور ایران با واقع شدن در یکی از حساس‌ترین موقعیت‌های ژئوپلیتیکی جهان و بهره‌مندی آن از کارکردهای گوناگون مناطق ژئواکونومیک پیرامونی، به یکی از پرجاذبه‌ترین کانون‌ها در تعاملات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است. در حال حاضر وابستگی کشورهای آسیای مرکزی به ایران کم است و باید هم کم باشد چراکه اقتصاد آن‌ها شبیه هم است. آن‌ها نیاز به تکنولوژی، سرمایه، ماشین‌آلات و خدمات مهندسی دارند که ایران هیچ‌کدام را ندارد به گونه‌ای که خدمات مهندسی ایران گران‌تر از اروپاست. بر این پایه، ایران اگر می‌خواهد مناسبات ژئواکونومیکی خود را تقویت کند بایستی به این سمت حرکت کند. بر بنیاد چنین شناسه‌هایی کشورهای آسیای مرکزی از جمله قزاقستان نمی‌توانند بدون همکاری منطقه‌ای به توسعه چشم‌گیری برسند. بیشتر این کشورها به دریا دسترسی ندارند و برای حمل‌ونقل نفت و گاز به بازارهای جهانی به سایر کشورها وابسته‌اند. ایران برای منطقه محصور در خشکی آسیای مرکزی، یک مسیر حمل‌ونقل مطلوب است که می‌تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان را به بهترین شکل به دریاهای آزاد برساند. سیاست خارجی آمریکا در منطقه خزر، وابستگی‌های متقابل مهم میان ایران و همسایگان شمالی آن را نادیده می‌گیرد. به همین دلیل، یکی از مهمترین عوامل محدودکننده فضای مانور جمهوری اسلامی ایران برای توسعه همه‌جانبه روابط با این کشورها را می‌توان سیاست‌های آمریکا دانست، روسیه نیز با استفاده از اهرم انرژی توانسته است نقش یک بازیگر مهم سیاسی را بازی کند. هرچند پایان جنگ سرد فرصت ژئوپلیتیکی مناسبی را برای ایران فراهم کرد تا با همسایگان شمالی خود روابط مستقلی ایجاد کند، اما با ورود آمریکا در منطقه و بهره‌گیری این کشور از عناصر جغرافیایی علیه ایران، امکان بهره‌مندی از فرصت‌های ژئواکونومیکی پس از فروپاشی اتحاد شوروی را برای ایران محدود ساخته است.

سهم نویسندگان: حسن ربیعی (نویسنده اول، مسئول)، (۲۵٪)، رضا عباسی پور نظام‌آباد (نویسنده دوم)، پژوهشگر اصلی، (۴۰٪)، بهرام امیر احمدیان (نویسنده سوم) پژوهشگر کمکی (۲۵٪)، عطاءالله عبدی (نویسنده چهارم) پژوهشگر کمکی (۱۰٪)

منابع و مآخذ

- Ahmadi Lafouraki, B., & Mirrazavi, F. (2004). *Directory of Caspian region and Central Asian and Southern Caucasus countries*. Tehran: Abrar Moaser. (Persian)
- Akbarian, R. (2003). Investigating Iran's geopolitical situation in the field of oil and gas economics. *Economic Research*, 3(3-4), 109-130. (Persian)
- Amirahmadian, B. (a2018). The Initiative of one road, one belt (Abrisham road & the place of Iran), Lecture in the Iranian association of geopolitics. (Persian)
- Amirahmadian, B. (b2018). The Challenges of Iran Presence in Central Asia. *Fellow-citizen*. (Persian)

- Baru, S. (2012). Geo-economics and strategy. *Survival*, 54(3), 47-58. [DOI:10.1080/00396338.2012.690978]
- Blackwill, R. D., & Harris, J. M. (2016). *War by other means: Geoeconomics and statecraft*. Cambridge: Harvard University Press. [DOI:10.4159/9780674545960]
- Caucasus Studies Institute. (2011). Central Asia and the Caucasus, the neglected arenas in Iran's foreign policy. Retrieved from <http://www.ccsi.ir/vdcicqaz2t1av.bct.html>. (Persian)
- Dadandish, P. (2007). Geopolitical discourse in Central Asia: Opportunities for Iran-Russia cooperation. *Geopolitics Quarterly*, 3(1), 75-96. (Persian)
- Economic Site of the Ministry of Foreign Affairs. (2018). Public information of Kazakhstan. Retrieved from <http://www.mfa.gov.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=464&pageid=35783>. (Persian)
- Efegil, E., & Stone, L. A. (2001). Iran's interests in Central Asia: A contemporary assessment. *Central Asian Survey*, 20(3), 353-365. [DOI:10.1080/02634930120095358]
- EIA. (2016). Iran energy data, statistics and analysis - oil, gas, electricity, and coal. Retrieved from <http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/Iran/pdf.pdf>
- EIA. (2017). Kazakhstan energy data, statistics and analysis -oil, gas, electricity, and coal. Retrieved from <http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/Kazakhstan/pdf.pdf>
- Etaat, J., & Nosrati, H. R. (2009). Iran and energy transit routes of the Caspian basin. *Central Eurasia Studies*, 2(3), 1-22. (Persian)
- Ezzati, E. (2001). *Geopolitics in the twenty-first century*. Tehran: Samt. (Persian)
- Ezzati, E. (2008). The geo-economy of energy and its security impacts on Iran, Pakistan and India. *Foreign Policy*, 23(1), 105-114. (Persian)
- Fao. (2015). Country indicators, Kazakhstan. Retrieved from <http://www.fao.org/faostat/en/#country/108>
- Fars News Agency. (2011). Larijani meeting with Amriyah: Iran and Kazakhstan have a lot of capacities to develop cooperation. Retrieved from <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13900802001215>. (Persian)
- Golshani, S. A., & Sohrabi, H. R. (2012). The role of Iran's geopolitics in global energy security based on the strategic management model "swot". *Political and International Research*, 4(13), 163-204. (Persian)
- Hafez Nia, M. R. (2006). *Geopolitical principles and concepts*. Mashhad: Papoli Publications Affiliated to Amir Kabir. (Persian)
- Hashemi, A. A. (2004). *Political history of the soviet union*, (First ed. Vol. 2). Tehran: Aftab Publishing. (Persian)
- <http://import-export.ir/14/Kazakhstan.html> .
- Johnston, R. J., Teilor, P. J., & Wats, M. (2004). *Global geography* (N. Nourian, Trans.). Tehran: Extensive War Publishing. (Persian)
- Kaiser, M. J., & Pulsipher, A. G. (2007). A review of the oil and gas sector in Kazakhstan. *Energy Policy*, 35(2), 1300-1314 . [DOI:10.1016/j.enpol.2006.03.020]
- Kamp, J., & Harcavi, R. (2007). *Strategic geography Middle East* (S. M. Hoseini Matin, Trans.). Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (Persian)
- Karami, J., & Azizi, H. R. (2013). China's security relations with Central Asia: From decurity ties to "regional security complexes". *Central Eurasia Studies*, 6(12), 135-154. (Persian)
- Kasenov, O., & Sanjabi, A. (1996). Kazakhstan's foreign policy priorities. *Central Asian and the Caucasus Journal*, 4(2), 139-160. (Persian)
- Kennedy, P. (1989). *The rise and fall of the great powers: Economic change and military conflict from 1500 to 200*. New York: Random House.
- Koolae, E. (1997). *Politics and government in Central Asia*. Tehran: Samt. (Persian)
- Koolae, E. (2009). *New great game in Central Asia (background and perspectives)*. Tehran: Institute for Political and International Studies (Persian)
- Koolae, E., & Ebrahimi, A. (2012). Explanation of the Islamic Republic of Iran's geopolitical relationship with Kazakhstan. *Geopolitical Quarterly*, 9(30), 49-81. (Persian)
- Koolae, E., & Moaddab, M. (2009). Iran's role and importance in the energy market of the ECO region. *Quarterly Foreign Relations*, 1(3), 33-54. (Persian)
- Koushki, M., & Hosseini, S. M. (2017). Prospect of Islamic Republic of Iran's membership in the Shanghai cooperation organization: Opprtunities and challenges. *Political Quarterly*, 47(3), 737-752. (Persian)
- Lotfian, S. (2011). *Kazakhstan: Political developments, foreign and security policies*. Tehran: University of Tehran Press. (Persian)
- Luttwak, E. N. (1990). From geopolitics to geo-economics: Logic of conflict, grammar of commerce. *The National Interest*, 20, 17-23.
- Marat, N. (2008). The republic of Kazakhstan and the economic cooperation Organization: Present state and future cooperation. *Central Asia and the Caucasus*, 1(49), 98-99 .

- Martin, M. A. P., & Miguel, Á. (2010). Geo-economics in Central Asia and the great game of natural resources: Water, oil, gas, uranium and transportation corridors. *Central Asia Observatory, Working Paper*, 59(2009), 19 .
- Ministry of Foreign Affairs. (2008). *Kazakhstan*. Tehran: Institute for Political and International Studies . (Persian)
- Mirhosseini, A. (2010). Introduction to Kazakhstan,. *Journal of Geographical Studies*, 1(3), 55-56. (Persian)
- Mohammadi, M., & Motaghi, A. (2006). Doctrine on constructive engagement in foreign policy of the country. *Yas Strategic Quarterly*, 139-190. (Persian)
- Mottaghi, E., & Hemmatkhan, M. (2008). The position of Iran in energy market of Central Asia. *Journal of Central Eurasia Studies*, 1(1), 127-147. (Persian)
- Nasiri, H. (2008). Global-regional exchanges: An examination of Iran and its competitors position(with emphasis on eastern axis). *Political Quarterly*, 38(3), 349-377. (Persian)
- Oliker, O. (2007). Kazakhstan's security interests and their implications for the U. S. -Kazakh relationship. *China and Eurasia Forum Quarterly*, 5(2), 63-72.
- Paramonov, V., & Stokov, A. (2007). *Structural interdependence of Russia & Central Asia in the oil and gas sectors*. United Kingdom: Defence Academy of the United Kingdom, Conflict Studies Research Centre.
- Peachey, R. (2011). Petroleum investment contracts after the Baku-Tbilisi-Ceyhan (BTC) pipeline. *Northwestern Journal of International Law & Business*, 31(3), 739 .
- Pishgahi Fard, Z., & Joneidi, R. (2010). The nature of Russia's political behavior in the Central Asia region and the challenges for the Islamic Republic of Iran. *Human Geography Research Quarterly*, 42(2), 63-82. (Persian)
- Ramazani, R. (2009). Understanding Iran's foreign policy. *Quarterly Foreign Relations*, 1, 11-20. (Persian)
- Rasa News Agency. (2014). Retrieved from <http://www.rasanews.ir/newstextsubservice/1393>. (Persian)
- Sarie'olghalam, M. (2017). International system and modern geo-politics in Middle East. *Iranian Political Science Association*, 12(1), 101-140. (Persian)
- Shahbi, S., & Sheikholeslami, M. H. (2011). Echo and Development of Iran. *Quarterly of Foreign Relations*, 2(4), 45-73. (Persian)
- Shouri, M. (2016, 2016-7-17) *Promoting Iran-Russia relations in the eleventh government of emergency-collaborative-based co-operation/Interviewer: Institute for Iranian Studies and Eurasia*. (Persian)
- Solberg Søylen, K. (2012). *Geoeconomics*. London: Ventus Publishing ApS/Bookboon.
- Tehran Chamber of Commerce Industries Mines and Agriculture. (2015). Basic information of Kazakhstan. Retrieved from <http://www.tccim.ir/countries.aspx>. (Persian)
- The World Factbook. (2016). Retrieved from <https://www.cia.gov/library/pub/the-world-factbook/LastSeen:7/7/2017>
- Trade Promotion Organization of Iran. (2015). *Report on trade between Iran and Kazakhstan in 2014*. Retrieved from http://farsi.tpo.ir/uploads/iran-ghazaghestan93_10156.pdf. (Persian)
- Valigholizadeh, A. (2015). Spatial-geoeconomic analysis and analysis of Iran's business relationships with the CIA field. *Central Eurasian Studies*, 8(2), 343-364. (Persian)
- Yuldasheva, G. (2008). Geopolitics of Central Asia in the context of the Iranian factor. *Caucasian review of international affairs (CRIA)*, 2(3), 133-145 .
- Zabortsevas, Y. N. (2010). Kazakhstan's bilateral economic relations with Russia: a robust partnership?. BASEES 2010 Annual Conference .
- Zardykhon, Z. (2002). Kazakhstan and Central Asia: regional perspectives. *Central Asian Survey*, 21(2), 167-183 . [DOI:10.1080/0263493022000010062]